



تأثیر فرزندان معلول یا ناتوان بر خانواده

قسمت دوم

که برای فهمیدن فرزندان باید الگوی باورهای فرهنگی افراد را در تاریخچه خانوادگی مطالعه کرد. به طور کلی برای افراد گوناگون،

فرزند قائل است. رد و دانکن (۱۹۹۶) می گویند که هر فرزند معنای خاصی برای والدین خود دارد که بر تعامل آنها اثر می گذارد. این مؤلفان معتقدند

(یکی از عوامل مؤثر بر رابطه والدین - فرزند، به خصوص در مادران، معنایی است که مادر برای

معناهای متفاوتی وجود دارد. برای برخی افراد، فرزند یادآور تعارض های خانوادگی خود فرد با والدینش است و برای برخی دیگر یادآور مجموعه ای گرم و صمیمی است. (ردر ۱۹۹۶)

در خانواده هایی که دارای فرزند استثنایی به معنای کودک کم توان یا معلول هستند، وضعیت تفاوت می کند. به این معنا که بسیاری از مؤلفه های دیگر تحت تأثیر وضعیت ویژه کودک قرار می گیرند. برای مثال، اگر معلولیت مادرزادی کودک در لحظه تولد آشکار باشد، معمولاً مادر است که مسوول ایجاد ارتباط و توجه به نیازهای ویژه کودک است. اگر کودک نارس به دنیا بیاید یا نیازهای ویژه گسترده و خدمات پزشکی وسیعی داشته باشد، ایجاد ارتباط بین مادر و فرزند به کندی

پیشرفت می کند. در چنین شرایطی مادر فرصت نمی کند مانند مادران دیگر عمل کند چرا که مجبور است بسیاری از وقت خود را صرف مراقبت، تغذیه و امور پزشکی کودک کند. حتی گاهی مادر شک می کند که: آیا من اصلاً بچه دارم؟ در نتیجه دلبستگی میان مادر و فرزند ممکن است دچار وقفه شود (پاول-اسمیت و استولر، ۱۹۹۷).

در برخی موارد دیگر، مادر مجبور می شود که رابطه ای بدنی و عاطفی نزدیک با کودک معلول یا کم توان خود برقرار کند. در این هنگام پیوندی که میان کودک و مادر ایجاد می شود، بسیار قوی است. به همین دلیل مادر مجبور می شود که انرژی زیادی را صرف سازگاری عاطفی کودک کرده و مدام سعی کند که کارهای کودک را توضیح بدهد یا تفسیر کند و مسوول برقراری ارتباط و خواسته های کودک با دیگر اعضا بشود. وجود چنین مسوولیت های سنگینی باعث می شود که مادر نتواند در همه زمینه های ارتباطی با کودک رابطه برقرار کند. میل به حمایت شدید باعث می شود که کودک فرصت های بهینه را برای دست یابی به مهارت ها و شرکت در فعالیتهایی که به خود کفایی و استقلال منجر می شود از دست بدهد. از طرف دیگر، مادر ممکن است ظرفیت های کودک را دست کم بگیرد و اجازه ندهد که او به کارهای مخاطره انگیز دست بزند و چالش کافی برای رشد

همه جانبه نداشته باشد. در مقابل، ممکن است برخی مادران از فرزندشان غافل شده و هیچ تحریکی را برای رشد کودک فراهم نکنند. رابطه پدر - فرزند

پدران را فراموش نکنیم، آنها هم جز والدین هستند! رفتار پدری نیز همچون رفتارهای مادری در بردارنده رفتارهای مربوط به دوره بارداری، تهیه غذا و حمایت از فرزندان است. به طور کلی، مطالعه های پدید آیی و انسان شناسی نشان می دهد که پدران هم دارای رفتارهای مراقبت از فرزند هستند ولی این رفتارها بیشتر از آن که متأثر از عوامل زیستی باشد تحت تأثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی هستند (نوجنت و همکاران، ۱۹۸۸).

بر اساس یافته های پژوهشی (برای مثال، ترنر و هلمس، ۱۹۸۷؛ اینزورث، ۱۹۶۷) پدران می توانند پیوند عاطفی خوبی با فرزندان خود برقرار کنند و تأثیر قابل توجهی بر رشد اجتماعی، عاطفی و شناختی آنها بگذارند، به ترتیبی که حضور یا عدم حضور پدر می تواند تأثیر جدی بر پیشرفت تحصیلی فرزندان و جلوگیری از اضطراب جدایی داشته باشد. درگیر بودن پدر به امر مراقبت از فرزند می تواند برای پدر نیز مفید باشد. پدرانی که از فرزندان خود مراقبت و نگهداری می کنند؛ بیشتر از پدران دیگر در مورد فرزندانشان واقع بین هستند و همچنین فرصت های شغلی بیشتری برای





همسرانشان ایجاد می کنند (لمب، همکاران، ۱۹۸۷).

در خصوص رابطه پدر با فرزند معلول یا کم توان اطلاعات به طور عمده از نوع مشاهده ای است. برخی یافته ها نشان می دهد که رابطه پدر با فرزند کم توان دارای ویژگی هایی کم و بیش شبیه با رابطه پدر با فرزند عادی است. معمولاً پدر مسوول آگاه کردن خانواده از مسوولیت های سنگین مادر و شرایط پیچیده کودک است. واکنشی که پدر در مقابل تولد فرزند کم توان یا معلول نشان می دهد بسیار بر سازگاری اعضای خانواده و حتی مادر اثر می گذارد. چون پدر در مقابل بیان احساسات مقاوم تر از دیگر اعضا است، احتمال بیشتری وجود دارد که احساسات خود را درونی کند و برای کنار آمدن با مشکل از سازوکارهایی همچون گوشه گیری، والایش و توجیه عقلی استفاده کند. پدران کودکان عقب مانده ذهنی نوعاً بیش از مادران برای ظرفیت رشد اجتماعی و موفقیت تحصیلی فرزندانشان به ویژه برای پسران نگران هستند (تریویل، ۱۹۹۷، برادرسون و دولاهیت، لمب و مایر، ۱۹۹۱، به نقل از هاردمن و همکاران، ۲۰۰۲). پدرانی که فرزند ناتوان یا معلول دارند کمتر وقت صرف بازی، ارتباط و رسیدگی به تحصیل کودک می کنند. در صورتی که کودک بتواند حرف بزند این ارتباط ممکن است کمی گسترش پیدا کند، در غیر اینصورت

احتمالاً بسیار محدود باقی می ماند. عواملی که بر تعامل پدر - فرزند ناتوان اثر می گذارد کم و بیش همان عواملی هستند که بر رابطه مادر - فرزند ناتوان اثر می گذارد. یکی از این عوامل، جنسیت کودک است. اگر کودک پسر باشد و پدر برای تربیت پسری ایده آل آرزوهایی داشته و نقشه هایی کشیده باشد، سازگاری بسیار دشوار خواهد بود. پدری که دوست داشته باشد با پسرش فوتبال بازی کند، او را شریک کار خود بکند یا با او به بعضی تفریح ها و گردش های مردانه برود با داشتن پسر کم توان یا معلول ضربه سنگینی را متحمل خواهد شد. در این حالت، پدر ممکن است عقب نشینی و گوشه گیری کند که می تواند به نوبه خود بار مسوولیت را بر شانه مادر سنگین تر کرده و فشار روانی بیشتری را بر مادر متحمل کند.

بر اساس یافته های پژوهشی، پدرانانی که در امور تحصیلی فرزندانشان دخالت می کنند، موجب پیشرفت تحصیلی فرزند

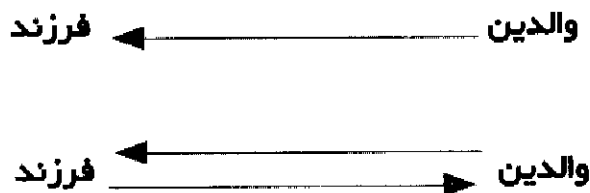
شده و موجب رشد بهتر اجتماعی و موفقیت در مدرسه می شوند و از طرف دیگر میزان بزهکاری و خشونت در فرزندانشان کاهش می یابد (تریویل، ۱۹۹۷).

تأثیر فرزند بر والدین

تاکنون در مورد تأثیر فرزندان و به خصوص فرزند کم توان یا معلول بر والدین صحبت کردیم. امروزه آشکار است که فرزندان بر والدین خود اثر می گذارند و از این راه نقش فعال و پویا در خانواده اعمال می کنند. فرزندان از همان ابتدای تولد تجربه جدیدی برای والدین خود هستند و می توانند رفتارها و نگرش های آنها را تغییر دهند.

رفتارها، خلق و خو و ویژگی های جسمانی کودک بر تعامل والدین - فرزند اثر می گذارد. در صورتی که این ویژگی ها با معیارهای والدین تفاوت بسیار داشته باشد می تواند کودک را در معرض بد رفتاری یا بی توجهی قرار دهد (استاین منتز، ۱۹۸۷).

شرایط کودک از همان ابتدا می تواند بر رفتارهای والدین اثر



شکل ۱. رابطه دو طرفه بین والدین - فرزند
(اقتباس از شیامبری و اسمیت، ۱۹۸۲).



بگذارد و از آنها تأثیر بپذیرد. برای مثال، ترشروی کودک می تواند ناشی از طرد والدین باشد یا آنکه طرد والدین ناشی از ترشروی کودک باشد. این رابطه دوطرفه را می توان به شکل شماره نشان داد.

یکی از عواملی که بر تعامل والدین - فرزند اثر می گذارد سطح پدید آبی تحولی کودک است (بل، ۱۹۷۷). کودکان در مراحل مختلف رشد، احساسات و رفتارهای خاصی را در والدین ایجاد می کنند. برای مثال نگرش والدین نسبت به "تحصیل کردن" در موقعی که فرزند ۳ ساله دارند بازمانی که این کودک ۱۵ ساله است متفاوت می باشد.

روابط همشیران (خواهران و برادران) و کودک ناتوان

نوع رابطه بین کودکان عادی با خواهر یا برادر ناتوان خود به راحتی قابل پیش بینی نیست. وقتی کودکان عادی به معلولیت یا ناتوانی خواهر یا برادر خود پی می برند نگران می شوند و ممکن است سؤال هایی را بپرسند: "چرا این طور شد؟" آیا این مشکل مسری است؟ "من به دوستانم چه بگویم؟" "من نمی توانم پرستار خصوصی باشم!" آیا باید همه عمر از او مراقبت کنم؟ "آیا بچه های من هم چنین مشکلی خواهند داشت؟" "چطور می توانم هم از عهده مسوولیت های مربوط به همسر و فرزندانم برآیم و هم از خواهر یا برادرم حمایت کنم؟". همشیران نیز همچون والدین

می خواهند هر چه بیشتر در مورد وضعیت خواهر یا برادر ناتوان خود بیسند و بدانند. آنها می خواهند بدانند که بالاخره تاکی این وضعیت ادامه دارد و آیا روزی می رسد که همه چیز عادی بشود. اگر کارشناسان بتوانند این نگرانی ها را به درستی برطرف کرده و آنها را به درستی راهنمایی کنند، رابطه موجود بین اعضای خانواده به خصوص خواهران و برادران عادی و ناتوان بسیار و مناسب خواهد شد. از طرف دیگر، نگرش و رفتار والدین به طور قابل ملاحظه ای بر رفتار و نگرش همشیران کودک ناتوان اثر می گذارد، چرا که معمولاً کودکان این نگرش ها و رفتارها را همچون آینه ای منعکس می کنند و اگر والدین خوش بین یا واقع بین باشند آنها هم چنین خواهند شد. به طور کلی، داشتن خواهر یا برادر ناتوان در زندگی این همشیران ممکن است تأثیر مثبتی داشته باشد، چرا که آنها به این باور می رسند که داشتن چنین خواهر یا برادری باعث شده که آنها آدم های بهتری باشند. این همشیران می توانند منبع حمایت کننده خوبی برای خواهر یا برادر ناتوان خود باشند. در واقع می توان گفت که همشیران نقش برجسته ای در رشد عاطفی، اجتماعی و عقلی خواهر یا برادر ناتوان خود دارند. احساس های منفی نیز در میان خواهران و برادران این کودکان وجود دارد. احساس هایی چون اضطراب، گناه، احساس تنهایی و احساس حسادت از متداولترین این موارد هستند. احساس تنهایی ممکن است در آن دسته از همشیران دیده





این کودکان احساس می کنند که مورد بی توجهی و بی مهری قرار گرفته اند. در چنین شرایطی احساس غالب در برخی از کودکان خشم و کینه است و برخی دیگر احساس محرومیت می کنند. در این حالت، از این همشیران می شنویم که می گویند: "ما معمولاً به خاطر خواهرم که فلج است مسافرت نمی رویم"، "چطور می توانی به دوستان جدیدت بگویی که برادر عقب مانده ذهنی داری؟"، "چطور می توانم دوستم را به خانه دعوت کنم؟"، "دیگر خسته شدم از بس که باید مراقب خواهرم باشم که در دسر درست نکند، او آبروی ما را می برد". "خدایا، من خواهر یا برادر عادی می خواهم نه عقب مانده".

گاهی نیز این همشیران فکر می کنند که باید جبران کننده کم توانی یا معلولیت خواهر یا برادر خود باشند تا والدینشان کمتر احساس شکست و ناکامی کنند. به این ترتیب، فشار زیادی به خود می آورند که این فشار می تواند به بهداشت روانی و سلامت جسمانی آنها لطمه بزند: "چرا من همیشه باید بهترین بچه ها باشم؟" "چرا نمی توانم مثل بقیه بچه ها معمولی باشم؟"

بهترین روش کمک به همشیران کودکان کم توان یا معلول، حمایت از خانواده هایشان است. شرکت در برنامه هایی که به آنها امکان می دهد تا در مورد اطلاعات، تجربه ها و احساس های همدیگر صحبت کنند و از حال هم باخبر شوند.

ادامه مطلب در شماره آینده

درون خود نگه می دارند و برای مدت های طولانی کسی نمی تواند به آنها پی ببرد. با فراگیر کردن روز افزون آموزش در مدرسه های نزدیک محل سکونت و مراکز آموزش عادی، همشیران نیز بیش از پیش "وارد عمل" می شوند.

در این شرایط، از همشیران خواسته می شود که در مورد رفتارها و نیازهای خواهر یا برادر معلول یا کم توان خود توضیح بدهند. البته احتمال آزرده شدن و ناراحتی بیشتر نیز وجود دارد و به همین علت بیشتر ممکن است دچار مشکل های رفتاری و عاطفی بشوند. بسیاری از همشیران از داشتن چنین خواهر یا برادر معلول یا کم توانی احساس حسادت می کنند، چرا که والدین مجبورند بیشتر وقت خود را صرف آنها کنند.

شود که دوست داشتند با خواهر یا برادر، همبازی آنها داشته باشند. اضطراب در آن دسته از همشیران دیده می شود که مسوولیت مراقبت و نگهداری را به عهده دارند و والدین نمی توانند از عهده این امر مهم برآیند.

احساس گناه نیز ممکن است به سراغ آن دسته از همشیران بیاید که فکر می کنند کمک نکردن و مراقبت نکردن از خواهر یا برادر معلول یا ناتوان کاری غیر اخلاقی یا ناپسند است. حتی ممکن است این همشیران به علت داشتن فکرهای ناپسند همچون خشم، عصبانیت، آزرده گی و تنفر احساس گناه کنند. از آنجا که بسیاری از والدین این گونه احساس ها را مذمت کرده و پاسخ مثبت نشان نمی دهند، همشیران این احساس ها را در